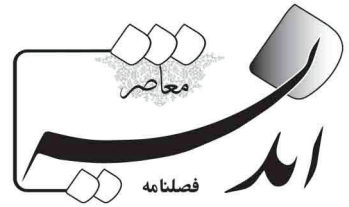




بنياد اندیشه  
تابش ۱۳۹۱



نشریه علمی - تخصصی بنیاد اندیشه  
سال سوم، شماره دهم، زمستان ۱۳۹۶

## ویژه حقوق بشر

صاحب امتیاز: بنیاد اندیشه

مدیرمسئول: داکتر محمدامین احمدی

معاون مدیرمسئول: داکتر امان‌الله فصیحی

سر دبیر: داکتر فرید خروش

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

احمدعلی علی‌زاده، دین‌محمد جاوید، داکتر  
زکیه عادل، عبدالحمید عارفی، داکتر عبدالله  
شفایی، علی امیری، داکتر علی‌محمد میرزایی،  
داکتر غلام‌سخی احسانی، قربانعلی انصاری،  
محمد توسلی غرjestانی، داکتر محمدجواد  
صالحی، محمدسرور جواد، داکتر محمدشوق  
خواتی، داکتر محمدعلی جویا، محمد هدایت.

مدیر اجرایی: رشید محمدی

ویراستار: محمدقاسم الیاسی ترگانی

طراح جلد: هادی مروج

صفحه‌آرا: علی جمعه محمدی

فصلنامه اندیشه معاصر در ویرایش مطالب آزاد است.  
نظرات طرح‌شده در مقالات الزاماً دیدگاه فصلنامه  
اندیشه معاصر نیست.

تمام حقوق مادی و معنوی فصلنامه اندیشه معاصر  
برای بنیاد اندیشه محفوظ است.

استفاده از مطالب فصلنامه اندیشه معاصر فقط با ذکر  
منبع مجاز است.

قیمت: ۲۰۰ افغانی

## راهنمای تهیه و تنظیم مقالات جهت انتشار در فصلنامه بنیاد اندیشه (الف) شرایط عمومی مقالات

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صیغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، روش مند، مستند و مستدل بوده با قلمی روان و رسا نگارش یافته باشند.
۲. مقالات ارسالی حتی‌الامکان تایپ شده و به اداره فصلنامه بنیاد اندیشه ارسال شود و یا فایل آن از طریق پست الکترونیکی به نشانی اینترنتی مجله اندیشه ایمیل گردد.
۳. حجم مقالات حداقل در ۳۰۰۰ کلمه و حد اکثر در ۸۰۰۰ کلمه تنظیم شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و تخلص، رتبه علمی، تحصیلات، ایمیل و شماره تلفون تماس همراه یا مقاله ارسال شود. مقالات کتابخانه‌ای دارای یک نویسنده و مقالات تحریری یا ساحوی می‌تواند بیشتر از یک نویسنده داشته باشد.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی، خارجی، سایت و یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند.
۶. با مقالات ترجمه شده، اصل آن نیز ضمیمه شود.

## (ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید دارای ساختار علمی باشند؛ یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده یا نویسندگان، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، قسمت اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله حداکثر ۱۵۰-۱۷۰ کلمه تنظیم گردد. چکیده باید به اختصار شامل: بیان مسأله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعرای خود داری گردد.
۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاگر نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
۳. مقدمه: مقدمه مقاله به بیان مسأله تحقیق، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، اهداف، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی از ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی طرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله اختصاص می‌یابد.
۴. قسمت اصلی مقاله: چارچوب نظری یا مفهومی، روش تحقیق، مواد شامل شواهد، مدارک، استدلال، تحلیل و نقد و بررسی.
۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود و از ذکر بیان مسأله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، چارچوب نظری، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

## ۶. نحوه ارجاع دهی

درون متنی: (تخلص، سال انتشار: شماره صفحه) برای مثال: (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۰)

## (ج) فهرست منابع

۱. کتاب: تخلص، نام (سال انتشار)، عنوان اثر، نام و تخلص مترجم، محل نشر: ناشر.
۲. مجله: تخلص، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام و تخلص مترجم، نام مجله، سال انتشار، (شماره مجله): صفحات مقاله.

- افغانستان و دید پروژه‌ای به حقوق بشر/ داکتر فرید خروش/ ۳
- مبانی حقوق بشر از نگاه اسلام/ داکتر محمد امین احمدی/ ۷
- حقوق بشر واقعاً جهان‌شمول است؟ ریشه‌های «الهی» حقوق بشر/ کریم پاکزاد/ ۳۵
- رویکرد انتقادی به حقوق بشر/ داکتر محمدحسین خلوصی/ ۴۹
- حقوق بشر و دموکراسی: تعیین‌کننده خط و نشان جامعه/ داکتر عبدالعلی محمدی/ ۷۱
- تکثر منابع حقوقی؛ چالش حاکمیت قانون و تضمین حقوق بشر در نظم حقوقی افغانستان/ داکتر قاسم‌علی صداقت/ ۹۷
- دادرسی عادلانه کیفری از منظر اسناد حقوق بشری و قوانین افغانستان/ عیدمحمد احمدی/ ۱۲۵
- عبور از اساسی‌سازی به حقوق بشری شدن قراردادها/ داکتر عبدالواحد افضلی/ ۱۴۵
- کرامت انسانی، راهبرد نوین سیاست جنایی در کُد جزا/ احمدرضا صادقی و داکتر عادل ساریخانی/ ۱۷۱
- حق آزادی اجتماعات(مبانی، مفهوم و محدوده‌ها)/ بازمحمد آموزگار/ ۱۹۱
- اقتصاد در برابر حقوق بشر درگیری‌های زبانی اقتصاد با حقوق بشر/ محمدابراهیم احسانی/ ۲۱۱
- شریعت و حقوق زن در افغانستان/ محمدسنخی رضایی/ ۲۳۱
- برابری جنسیتی در افغانستان: دستاوردها و چالش‌ها/ مختارحسین حیدری/ ۲۴۳
- تبعیض جنسیتی و اصل برابری در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق افغانستان/ محمدعارف فراسو/ ۲۷۱
- کارنامه حقوق بشری حکومت افغانستان/ عبدالحمید عارفی/ ۳۰۱
- کارنامه افغانستان در مورد حق برگزاری تجمعات/ سلما صادق و مختارحسین حیدری/ ۳۲۵
- حقوق بشر پیش شرط تحول منازعه و صلح‌سازی در افغانستان/ رحمان‌علی جاوید/ ۳۴۹
- کودکان کار و جنگ: شاهدی از افغانستان/ عبدالله غفاری/ ۳۸۷
- حقوق بشر در افغانستان/ دین‌محمد جاوید/ ۴۳۳
- نظام حقوق بشر آفریقایی/ داکتر زهرا مهدوی/ ۴۵۳

## افغانستان و دید پروژه‌ای به حقوق بشر

داکتر فرید خروش\*

بعد از گذشت ۱۷ سال از عمر نظام سیاسی فعلی، هنوز افغانستان در شمار چند کشوری طبقه بندی می‌شود که هر ساله حقوق بشر در مقیاس وسیع در آن نقض می‌شود. کمک‌های قابل توجه جامعه جهانی در دو بخش مالی و برنامه‌های آموزشی به اضافه کوشش مستمر حکومت افغانستان موفق به رائه راهکارهای مناسبی برای کاهش نقض حقوق بشر در افغانستان نشده است. در حالی که افغانستان صاحب یک نهاد مستقل به نام «کمیسیون مستقل حقوق بشر» است، اما سالانه خشونت‌ها و بحران‌های دوامدار امنیتی جان شهروندانی زیادی را می‌گیرد که اصولاً خودشان در تولید خشونت‌های جاری نقشی ندارند. مجروح و معلول شدن تعداد بیشتری از شهروندان در کشمش‌های فعلی بُعد ناگوار دیگری از نقض همه‌گیر حقوق بشر در افغانستان است. اضافه بر اینها، خشونت‌های خانوادگی، بویژه صدها مورد خشونت علیه زنان، بازتاب‌دهنده معضل فراگیری است که هنوز چشم‌انداز آینده افغانستان را تیره و سیاه نشان می‌دهد.

اولین سوال بنیادین اما این است که مشکل در کجاست؟

طی سال‌های گذشته هزاران مقاله و صدها رساله در خصوص دلایل تداوم نقض حقوق بشر در افغانستان نگاشته شده است. علاوه بر این، صدها سمینار و کارگاه آموزشی نیز برای تبیین و تحلیل این معضل توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سایر نهادهای داخلی و خارجی مرتبط با این موضوع برگزار شده است. اما در مقابل، آنچه که روشن است، نمودار نقض

\* تحلیلگر سیاسی و استاد دانشگاه.

حقوق ابتدایی و انسانی شهروندان افغانستان سیر نزولی را نشان نمی‌دهد. این بدان معنا است که مجموعه راهکارها و روش‌های مقابله با نقض حقوق بشر، خودشان دچار نقص و نارسایی است.

آنچه که از مکاشفه در روش‌ها، راهکارها و محتوای تولیدشده پیرامون نقض حقوق بشر استنباط می‌شود، عوامل ذیل در نقض ممتد آن نقش مؤثر دارند:

اول؛ اصولاً مفهوم حقوق بشر بر مبنای آنچه که ما از تعریف امروزین آن برداشت می‌کنیم، در افغانستان چه برای عوام و چه برای خواص یک پدیده جدید و تا حدودی ناشناخته است. این تعریف جدید از حقوق بشر که بیشتر صبغه غربی دارد، برای ما زمانی بیگانه‌تر جلوه می‌کند که ظاهراً در مواردی با برداشت‌های دینی در تعارض قرار می‌گیرد و این تعارض در نهایت برای عده‌ای به یک تقابل پارادوکسیکال ختم می‌شود. برآیند نهایی این تعارض منجر به این می‌شود که ما از مفهوم حقوق بشر بوی توطئه و تقابل با آموزه‌های دینی استشمام کنیم و در نهایت در برابر آن به موضعگیری و تقابل برخیزیم.

دوم؛ افغانستان هیچگاه صاحب یک نظام حقوقی مدونی نبوده که مرزهای آن از احکام شریعت قابل تمایز و تفکیک باشد. به رغم روی کار آمدن نظام‌های سیاسی گوناگون و متضاد به لحاظ فکری و روشی، در نظام حقوقی افغانستان تغییرات چندانی بوجود نیامده و ما صاحب یک نظام حقوق منسجم، ساختارمند و انعطاف‌پذیر در برابر پدیده‌ها و مفاهیم مدرن نیستیم. وقتی ما یک نظام حقوقی ساختارمند، مدون و دقیق نداشته باشیم، طبعاً نمی‌توانیم حقوق بشر تعریف‌شده مطابق با معیارها و استندردهای امروز جهان داشته باشیم.

دومین پرسش بنیادی این است که چرا علیرغم صرف بودجه قابل توجه و اهتمام دولت، نقض حقوق بشر در افغانستان کاهش نیافته است؟

به نظر می‌رسد جواب این پرسش همان نقضی است که دولت افغانستان و نهادهای کمک‌کننده در این زمینه موفق به رفع آن نشده‌اند. در یک‌ونیم دهه گذشته افغانستان در بعضی زمینه‌ها، از جمله قبول رسمی این موضوع که حقوق بشر را به عنوان یک اصل بنیادی، آنهم مطابق با ارزش‌های جهان‌شمول به رسمیت بشناسد و نهاد مستقلی را تحت عنوان کمیسیون مستقل حقوق بشر ایجاد نماید، راه درازی را پیموده است. عضویت افغانستان در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تحول مهمی است که حتی افغانستان را در مقایسه با بعضی از کشورهای

منطقه در جایگاه بهتری قرار داده است. اما به نظر می‌رسد علیرغم همه این دست‌آوردها، دلیل عدم کاهش نقض حقوق بشر در این باشد که در یک بُعد رشد و پیشرفت‌های قابل توجه صورت گرفته ولی در بُعد دیگر، یعنی کار تئوریک پیشرفتی حاصل نشده است. به عبارت دیگر، در پانزده سال گذشته ما به مقوله حقوق بشر و مبارزه با نقض آن، دید پروژه‌ای داشته‌ایم تا یک موضوع زیربنایی. صدها ورکشاپ و سمینار در زمینه حقوق بشر برگزار شد، صدها مقاله نگاشته شد، اما تمام این سمینارها و ورکشاپ‌ها و مقالات در سطح، یعنی در همان حد و حدود تطبیق پروژه و حلال جلوه‌دادن بودجه اخذشده از دولت یا فلان ان.جی.او باقی ماند. نگاهی به کارنامه ۱۵ ساله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که فلسفه وجودی‌اش تفهیم، ترویج و مبارزه با نقض حقوق بشر در افغانستان است، بیش از همه بازتاب‌دهنده این است که توانایی‌های ما تا چه اندازه کم‌عمق و محدود است. در طول بیش از یک‌ونیم دهه، دستاورد این کمیسیون انتشار یک گزارش سالانه، موضعگیری غیر الزام‌آور در برابر نقض حقوق بشر و محکوم کردن آن و در حوزه فکری، انتشار یک مجله تحت همین نام که در سطح یک مجله بازاری، غیرتخصصی و غیرپژوهشی باقی مانده است.

واقعیت تلخ این است که ما در افغانستان متفکران و اندیشمندانی در این حد و اندازه نداشته‌ایم که فارغ از الزامات حکومتی، تفکرات قبیله‌ای و آموزه‌های شریعت، حقوق بشر را به عنوان یک الزام عصر مدرن بفهمند و برای سازگار کردن آن با باورهای دینی به تولید اندیشه و محتوا پردازند. هنوز دید ما به مقوله حقوق بشر یا بسیار سطحی است و یا به شدت دین‌زده و ایدئولوژیک. برای عده بیشتری نیز حقوق بشر فرآورده غربی است که به کشور ما صادر شده است و لابد هدفی ندارد جز متزلزل کردن باورهای دینی مردم افغانستان. در چنین وضعیتی، نگاه عمیق و ساختاری به سازگار کردن مفاهیم حقوق بشر با آموزه‌های دینی و اسلامی و تبیین این موضوع که اصولاً حقوق بشر یک موضوع انسانی درون‌دینی است، رسالت اصلی سرمایه‌گذاری در حوزه حقوق بشر بوده است که کشور ما به سختی از آن غافل مانده است. و در نهایت نتیجه همین شده است که علیرغم صرف هزینه‌های بسیار، صرف بیش از یک‌ونیم دهه زمان، تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر، اعلام تعهد مکرر رئیس‌جمهور و مقامات حکومتی به مبارزه علیه نقض حقوق بشر، در هر ماه و هر سال روند نقض حقوق انسانی شهروندان افغانستان به پیمانانه وسیع ادامه داشته است.

با توجه به اهمیت مقوله حقوق بشر و ارتباطی که این حوزه با ارتقاء و تنزل جایگاه کشور ما در سطح جهانی دارد، دهمین شماره فصلنامه اندیشه معاصر به این موضوع اختصاص یافته است. ما با علم به این موضوع که نقص و نارسایی اصلی در شیوه‌ها و روش‌های مبارزه علیه نقض حقوق بشر در افغانستان کمبود کار تئوریک و تحلیل عمیق است، مجموعه مقالاتی را در این شماره گردآوری کرده‌ایم که بخشی از این ضرورت‌ها را برآورده نماید. در گزینش و نشر مقالات این مجموعه، معیار اصلی ما نگاه تخصصی و پرداختن به خلاءهایی بوده که در افغانستان کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ما بر این موضوع نیز واقفیم که اختصاص یک شماره از فصلنامه اندیشه معاصر نمی‌تواند حوزه وسیع حقوق بشر را پوشش دهد و به تمام پرسش‌ها پاسخ بگوید. اما بسیار امیدوار هستیم که این شماره فتح بایی شود برای سایر نهادهای دولتی و غیردولتی دست‌اندر کار در حوزه حقوق بشر تا روی تحقیق و پژوهش‌های بنیادی بیشتر سرمایه‌گذاری نمایند.